

## نقش عوامل روانشناختی در تفاوت بین دو نسل

مرصع یوسفی نژاد

### مقدمه

بدون تردید شکاف دو نسل جدید و قدیم از پدیده‌های ناخوشایندی است که جامعه کنونی و نسلهای آتی با آن دست به گریبانند. در این مقاله سعی شده است که نقش عوامل روانشناختی در تفاوت بین دو نسل و هر یک از موارد پنجگانه این موضوع مورد بحث قرار گیرد. تا علل و عوامل ایجاد شکاف بین نسلها و عوامل ایجاد تفاهم مورد بررسی قرار گیرد امید است که مطالب درج شده در این مقاله راهگشایی باشد تا نسل جدید راه تعالی و پیشرفت رابه سوی اهداف متعالی و خداپسندانه برداشته و نسل آتی نسلی با فرهنگ خودی، خودباوری دینی، صادق، مخلص، غیور، عامل به علوم، مستقل و آزاد از هرگونه فرهنگ بیگانه بارآید. و این میسر نیست مگر اینکه نسل فعلی این بستر و زمینه را برای نسل آتی فراهم و حفظ نماید.

### نقش خانواده در تفاوت بین دو نسل:

خانواده اولین بذر تکوین رشد فردی و بنای شخصیت را در انسان فراهم می‌سازد. کودک در خانواده زبان می‌آموزد، ارزشهای اخلاقی را کسب می‌کند، روابط

اجتماعی با دیگران و اصول و قواعد اخلاقی رایاد می‌گیرد. خانواده به عنوان فیلتری برای عقاید، ارزشها و نگرشهای مربوط به فرهنگ یک جامعه محسوب می‌شود و آنها رابه یک شیوه بسیار اختصاصی - انتخابی به کودک ارائه می‌دهد، بی تردید باید گفت که شخصیت، نگرشها، طبقه اجتماعی - اقتصادی، مذهب و خصوصیات اعتقادی، وابستگی‌های نسبی خانوادگی، تحصیل و جنس والدین بر نحوه ارائه ارزشها و میزانهای اخلاقی به فرزندان تأثیر خواهد گذاشت.

خانواده در تربیت اجتماعی کودک و وظایف و نقش‌های متعددی رابرعهدده دارد که اهم آنها عبارتند از:

#### ۱- خانواده به عنوان سیستم:

خانواده را می‌توان به عنوان یک سیستم اجتماعی یا به عنوان بخشی از یک اجتماع بزرگتر در نظر گرفت، خانواده از یک سو با سازمانها و مؤسسات اجتماعی مانند مدرسه، بازار و اجتماع ارتباط دارد و از سوی دیگر اعضای خانواده را در بر می‌گیرد. بنابراین اجتماع، فرد و خانواده به صورت یک سیستم با هم در ارتباط هستند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اگر خانواده بطور کامل وظایف اساسی خود را به انجام رساند، جامعه حیات خود را به صورت قابل دوام و با استحکام ادامه خواهد داد و سیستم خانوادگی، فرد را برای وارد کردن به اجتماع و سیستم اجتماعی آماده می‌سازد.

#### ۲- خانواده به عنوان معلم والگو:

خانواده نقش ویژه‌ای در الگو شدن و آموزش دادن رفتارها و میزانهای

اخلاقی و اجتماعی دارا می‌باشد. هر گونه ارتباط و وابستگی والدین به فرزند و یا فرزند به والدین و یا والدین با یکدیگر به عنوان پایه‌ای برای ارتباطات اجتماعی بعدی فرد می‌توانند مورد الگو و سرمشق قرار گیرند.

### ۳- خانواده به عنوان کانون محبت و امنیت:

محبت و امنیت یکی از اساسی‌ترین ملزومات برای تربیت و رشد می‌باشند. کودکی که خصوصاً در سالهای اولیه زندگی از محبت خانوادگی و پدر و مادر محروم گردد و یا به قدر کافی سیراب نگردد، سازگاری شخصی و اجتماعی او در آینده ممکن است با خطر جدی روبرو شود و از اعتماد به نفس کافی و یا برخورد های اجتماعی متناسب بهره‌مند نگردد.

روانشناسی بنام هورنای<sup>(۱)</sup> معتقد است که والدین از طریق عدم ابراز محبت و دوستی نسبت به کودک می‌توانند امنیت کودک را خصوصاً در سالهای قبل از دبستان به خطر بیاندازد.

### خانواده و تفاوت بین دو نسل

از جمله مواردی که نسل قدیم و نسل جدید را از هم متمایز می‌سازد به قرار ذیل است.

۱- یکی از خصوصیات نسل قدیم این بود که همه اعضای خانواده اعم از پدر، مادر و فرزندان در امور اقتصادی و گذران زندگی مشارکت داشتند. هر چند که امروزه زنان نیز در بیرون از خانه کار می‌کنند و درآمد کسب می‌نمایند ولی اکثریت قریب به

۱- کتاب روانشناسی تربیتی - مراکز تربیت معلم، کد ۱۰۱۹

اتفاق خانواده‌ها مسئولیت و بار زندگی را پدر بدوش می‌کشد و فرزندان در اینگونه موارد کمتر احساس مسئولیت می‌نمایند. در صورتیکه فرزندان نسل قدیم ترجیح می‌دادند که روزها را کار و تلاش نمایند و شبها را به مطالعه و تحصیل بپردازند تا بتوانند در امور مربوط به خانواده تشریک مساعی نمایند.

۲- روابط عاطفی بین افراد خانواده و تکریم و احترام فرزندان به والدین و حجب و حیای فرزندان نسل قدیم از جمله مواردی است که در خانواده‌های نسل جدید کمتر به چشم می‌خورد و این مطلب با مشکلات اقتصادی و معیشتی و فرهنگی بی‌ارتباط نیست.

۳- خانواده نسل قدیم کانونی گرم و صمیمی و بدور از آرایش و ظواهر بود. افراد روزها تلاش می‌نمودند و شبها را در کنار اهل خانواده به نقل داستانها و بیان تجربیات و خاطره‌ها و صرف تنقلات می‌پرداختند. و فرزندان از تجربیات پدربزرگها و مادربزرگها بیشترین بهره را می‌بردند و از محبت آنان سیراب می‌شدند و به اصطلاح تفریحات و سرگرمیهای نسل جدید است تلویزیون، ماهواره -انواع فیلمهای ویدئویی، سینما و... که افراد خانواده را از داشتن یک ارتباط عاطفی محروم ساخته است و کانون خانواده را به محیطی سرد و بی‌روح مبدل نموده است.

خلاصه اینکه زندگی در نسل قدیم یعنی خانواده بزرگ، زندگی با پدربزرگها، مادربزرگها، عمه‌ها، عموها در یک مکان و ایجاد ارتباط عاطفی محکمتر، و احساس مسئولیت نمودن افراد با یکدیگر، بطور عملی این خصایص نیک را به فرزندان منتقل می‌نمود.

### نقش عوامل محیطی در روابط بین دو نسل

انسان از بدو تولد تحت تأثیر عوامل گوناگون محیطی قرار می‌گیرد. منظور از عوامل محیطی عوامل روانی - اجتماعی هستند که از طریق انسانهای دیگر در انسان اثر می‌گذارد.

از جمله عوامل محیطی والدین، دوستان و همسالان، مدارس و معلمان و اجتماعی که هر دو فرد در آن به سر می‌برد. در این میان تفاوتی را می‌توان در عوامل محیطی نسل قدیم و جدید مشاهده نمود ولی آنچه دو نسل را بیشتر با هم مرتبط می‌کند مدرسه یعنی مهد علم‌آموزی و فرهنگ و آداب و رسوم یک جامعه است. کشور ما در دامن خویش، اندیشمندان و متفکران زیادی را پرورش داده است. آنچه باعث ارتباط دو نسل و وجه مشترک نسل قدیم و جدید است علم دوستی و اشتیاق فراوان جهت دست یافتن به علوم و فنون نوین است. آموزش در نسلهای گذشته بوده و با گذشت زمان گسترش یافته است.

با پیشرفتهایی که در زندگی بشریت ایجاد شده است و ابتکارات و اختراعات و علوم و فن آوری نوین، انفجار علوم گوناگون و تکنولوژی و... همه و همه این نکته را به اثبات می‌رساند که نسلهای گذشته و کنونی با بهره‌گیری از همین تفکر توانسته‌اند پله‌های ترقی و تعالی را بیمایند و علوم و فنون را در راههای بشر دوستانه و خداپسندانه به کار گیرند، تا اجتماعی سالم و مترقی داشته باشند.

از عوامل محیطی دیگری که باعث ارتباط دو نسل می‌گردد، فرهنگ جامعه است. هر جامعه‌ای از قشرها و طبقات اجتماعی مختلفی تشکیل شده است که دارای ارزشها، عقاید، هنجارها، شیوه زندگی و حتی آداب و رسوم خاص خود هستند اگر ملتی به اصول اصیل و آداب و رسوم و فرهنگ خاص خود پایبند باشد یکی از

عواملی است که می‌تواند افراد دو نسل را به هم پیوند داده و از رخنه و شکاف بین نسلها جلوگیری نماید.

### روشهای تعلیم و تربیت و تفاوت بین دو نسل

بی تردید بعد از نهاد خانواده، مهمترین واحد اجتماعی که بیشترین تأثیرات را در رشد و تربیت کودکان و نوجوانان باقی می‌گذارد، نهاد مدرسه است. امروزه مدرسه سهم موثر و انکار ناپذیری را در تعلیم و تربیت کودکان بعهدده دارد. زمانی که کودک پایه مدرسه می‌گذارد (سن ۶ و ۷ سالگی) در حقیقت مدرسه بخش مهمی از وظایف خانواده را برعهده و اوقات زیادی از عمر آنها را در بر می‌گیرد.

مدرسه در همه دوران تحصیل از اهمیت بسزایی برخوردار بوده ولی در دوران اولیه از اهمیت اختصاصی تری برخوردار بوده است.

تاچندی پیش مدرسه را تنها جای مطالعه و تلقین معلومات، درس خواندن و انتقال مواد درسی از معلمان به دانش‌آموزان می‌دانستند ولی امروز به لحاظ تربیتی روشن شده است که مدرسه یک وظیفه اجتماعی دارد که اهمیت آن کمتر از وظیفه آموزشی آن نیست.

مدرسه همچون خانواده دارای یک وحدت اجتماعی است و در ساخت شخصیت اجتماعی فرد بسیار مؤثر است. در مدرسه است که راه و رسم زندگی و طرز معاشرت با دیگران آموخته می‌شود و کیفیت همکاری و رقابت با دیگران یاد داده می‌شود.

امروزه دیگر این اشتباه است که اگر مکان تعلیم و تربیت را تنها عبارت از

یک عده اطاقها و کلاسهای بدانیم که تنها در آنها علم القاء می‌شود بلکه بهترین و مهمترین مرکز برای فعالیتهای گوناگون اجتماعی است و می‌توان با تشکیل اجتماعات، انجمنها، گردشهای علمی و امثال آنها به تربیت اجتماعی کودک و نوجوان کمک کرد.

از اینرو در آموزش و پرورش جدید مدرسه یک مرکز اجتماعی مهم است که کودک و نوجوان ساعتهای طولانی از زندگی خود را در آن می‌گذراند و اطلاعات اجتماعی بدست می‌آورد.

#### روشهای تعلیم و تربیت و تفاوت دو نسل:

در نسل قدیم محور عمده معلم می‌باشد و همه فعالیتهای آموزشی برعهده اوست و اوست که باید بیشترین وظایف و تکالیف را در انتقال مواد آموزشی برعهده گیرد. در حالیکه امروزه محور عمده خود دانش‌آموز است و در فعالیتهای آموزشی نقش عمده‌ای به او داده می‌شود.

نسل قدیم وظیفه تعلیم و تربیت را خانواده و معلم بعهده داشت ولی امروزه علاوه بر مدرسه و خانواده عوامل مختلف دیگری از جمله تلویزیون، انواع فیلمها، سینما، ماهواره‌ها بر نحوه تعلیم و تربیت اثر می‌گذارد.

از جمله تفاوتهایی که می‌توان در رابطه با تعلیم و تربیت دو نسل بازگو نمود همخوانی و هماهنگی آنچه در خانواده و مدرسه آموزش داده می‌شد با آن چیزی که در اجتماع وجود داشت و ناهماهنگی و همخوان نبودن بعضی از مسائل که در مدرسه و خانواده آموزش داده می‌شود و آنچه در اجتماع و رسانه‌های گروهی مشاهده می‌شود. (در نسل قدیم و جدید)

بطور مثال: ما در مدرسه به دانش‌آموزان مسائل تربیتی از جمله نکشیدن

سیگار، حفظ شئون اسلامی، رعایت حجاب، دوری از زرق و برق و تجملات و... را آموزش می‌دهیم.

ولی عملاً در جامعه این موارد به وفور مشاهده می‌شود و رسانه‌های گروهی علیرغم اینکه خود مروج بعضی از مسائل تربیتی می‌باشند ولی در نمایش انواع فیلمها خود عامل به مسائل بازگو شده نیستند این ناهماهنگی یکی از عوامل عدم یا توفیق کمتر ما در تثبیت مسائل تربیتی در نسل جدید است.

روشهای تربیتی در نسل قدیم غالباً با عمل توأم بود ولی در نسل جدید علیرغم اینکه در رادیو، تلویزیون، مدرسه و... مسائل روانشناسی و تربیتی بیشتر از قبل مطرح و بازگو می‌شود ولی چون بیشتر در حد حرف است تا عمل، توفیق کمتری در این زمینه حاصل می‌شود.

ناگفته پیداست در زمینه‌های علمی نسل قدیم و جدید تفاوتهایی از نظر امکانات آموزشی، شرایط و محیط آموزشی، برنامه‌های آموزشی و سایر موارد وجود دارد.

### عوامل ایجاد تفاهم بین دو نسل از دیدگاه روانشناختی

برای اینکه بین نسلهای تفاهم و همدلی ایجاد گردد باید برخی از موانعی که باعث ایجا شکاف و رخنه بین دو نسل و یا بهتر بگوئیم نسلهای شده است را از میان برداشت و در واقع پلی بین نسلهای ایجاد نمود تا تفاهم و هماهنگی بین نسلهای هر چه بیشتر مستحکم گردد. از جمله موارد ایجاد تفاهم:

۱- اولین قدم برای ایجاد این پیوند حفظ نمودن فرهنگ اصیل هر ملت است. ملتی که فرهنگ و آداب و رسوم اصیل خویش را حفظ نماید هیچگاه شکست نخواهد خورد.



- ۲- استفاده از همه امکانات و استعدادها و توانائیها جهت پیشرفت و آبادانی یک کشور و با همین کیفیت به نسل آینده سپردن.
- ۳- دوری گزیدن از فرهنگ مصرف گرایی و بهره گیری از توانائیهای بالقوه و استعدادهای ذاتی در جهت تولید و خودکفایی.
- ۴- ایجاد فرهنگ خودباوری و دوری نمودن از فرهنگ بیگانگان.
- ۵- ایجاد هماهنگی بین خانواده، مدرسه، اجتماع، رسانه‌های گروهی و... و دوری از دوگانگی یا چندگانگی بین حرف و عمل.

**نسل جدید**

مصرف‌گرا

تجمل‌گرا

فرهنگ‌زدگی

دیگرباوری

متوقع بودن

توقع کسب امکانات رفاهی در کوتاه مدت

ضعف در روابط عاطفی

بهره‌گیری از امکانات وسیع

زندگی توأم با اضطراب

**نسل قدیم**

مولد

ساده زیست

فرهنگ دوستی

خودباوری

قانع بودن

توقع کسب امکانات رفاهی در دراز مدت

قوت در روابط عاطفی

بهره‌گیری از امکانات محدود

زندگی توأم با آرامش و امنیت عاطفی و اجتماعی

**منابع و مأخذ**

- ۱- لطف‌آبادی. حسین، روانشناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی، ج. اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲- روانشناسی تربیتی، کد ۱۰۱۹، دوره‌ی کاردانی تربیت معلم.